خبر

مونا فرجاد دیر به رویای خود رسید

مونا فرجاد که به تازگی اجرای نمایش «اتاقی در هتل» را به پایان رسانده است، می‌گوید که همیشه رویای کارگردانی داشته ولی خود را بیشتر بازیگر می‌داند.

این بازیگر در گفتگو با ایسنا از اولین تجربه کارگردانی خود گفت و عنوان کرد که کمال‌گرا بودن سبب شده ورود به شاخه کارگردانی را به تاخیر بیندازد اما تصمیم دارد این حرفه را چه در سینما و چه در تئاتر ادامه بدهد.

فرجاد برای اجرای اولین نمایش خود چندین متن را پیشنهاد کرد تا سرانجام نمایشنامه «اتاقی در هتل» بر اساس دو نمایشنامه «اتاقی در هتل پلازا» و «اتاقی در هتل لندن» هر دو نوشته نیل سایمون از سد دریافت مجوز گذشت.

او در آغاز درباره انتخاب این نمایشنامه توضیح داد: در انتخاب متن، به شدت به شدنی بودن کار فکر می‌کردم. اولین اولویتم این بود متنی را انتخاب کنم که بتوانم آن را در مدت زمان کوتاهی که برای آماده‌سازی کار فرصت داشتم، به نتیجه برسانم و به چیز دیگری فکر نمی‌کردم.

این بازیگر که اول قصد داشته نمایشنامه خودش را روی صحنه بیاورد، درباره تغییر متن انتخابی‌اش گفت: نمایشنامه‌ای نوشته بودم به نام «دروازه جهنم» و بر اساس آن تمرین را شروع کردیم ولی متاسفانه مجوز نگرفت و بعد از آن چند نمایشنامه دیگر پیشنهاد کردم که هر یک در شورای نظارت و ارزشیابی گرفت و گیرهایی داشتند و نیازمند زمان زیادی بودند. بنابراین به دلیل زمان محدودی که برای آماده‌سازی کار داشتم، نمی‌توانستم تغییرات مورد نظر شورا را اعمال کنم. تقریبا ۱۰ روز مانده به زمان اجرا، به پیشنهاد آقای شهرام زرگر، مترجم آثار نیل سایمون، این دو اپیزود از نمایشنامه‌های این نویسنده را انتخاب کردم که کارکترهایشان در ادامه یکدیگر هستند.

فرجاد با اشاره به ویژگی‌های این دو اپیزود از آثار نیل سایمون افزود: از ویژگی‌های مهم اینها جمع و جور بودن و کم پرسوناژ بودنشان بود که اجرای کار را شدنی می‌کرد. چون وقتی زمان بسیار محدودی برای تمرین داریم، پروسه جستجو برای پیدا کردن بازیگر مناسب و مذاکره با او و یافتن بازیگرانی که در مقطع تمرین ما کاملا وقت آزاد داشته باشند و ... اهمیت بسیاری دارد. با این اوصاف، کم پرسوناژ بودن نمایشنامه برایم خیلی در اولویت بود چون نمی‌خواستم به دلیل شرایط و مشکلاتی که ایجاد شد، فرصت اجرا در ایرانشهر را که سالنی حرفه‌ای و استاندارد است، از دست بدهم.

او اضافه کرد: بنابراین وقتی آقای زرگر پیشنهاد تلفیق این دو کار را مطرح کرد، هر دو را خواندم. نمایشی گرم و جمع و جور و شدنی و استخوان‌دار بود . همچنان باور دارم که در کارهای نمایشی، رکن اصلی را متن تشکیل می‌دهد و بدون یک متن استخوان‌دار، کار، گرمای لازم را ندارد و انتظار آدم را برآورده نمی‌کند.

این بازیگر با ارایه توضیحاتی درباره ایرانیزه کاردن نمایشنامه‌های نیل سایمون افزود: بسیاری از آثار سایمون در ایران کار شده و نمایشنامه‌هایش برای ما آشناست. البته شوخی‌های فرنگی و آمریکایی دارد که باید آنها را آداپته کنیم تا با فرهنگ خودمان تطبیق پیدا کند.

فرجاد افزود: در کل به متن‌های اصلی وفاداریم و نمایشنامه تغییراتی خیلی جزیی کرده است. البته تغییرات بیشتری داشت تا ایرانیزه شدن آن مشخص‌تر و جملات روان‌تر شود و بهتر بر زبان بازیگران بنشیند ولی آن تغییرات، شامل ممیزی‌هایی شد و خواستار حذف برخی اسامی بودند تا هیچ نشانه مشخصی نباشد که این اتفاقات در ایران رخ می‌دهد. بنابراین با اینکه آن شکل از متن، دلچسب‌تر بود، اما به شکل فعلی رسیدیم. البته در هر دو نسخه بازنویسی شده و با وجود تغییرات عمده‌ای که در پایان‌بندی داشتیم، به متن اصلی خیلی پایبند هستیم و شاکله متن همان است.

فرجاد درباره سبک اجرای نمایش خود نیز توضیح داد: همیشه متن است که خودش سبک اجرا را پیشنهاد می‌دهد و راهنمای کارگردان می‌شود. ادبیات و گفتار و کلمات متن، راهنمایی است که کارگردان به چه سمت و سویی برود. مگر اینکه تعمدا بخواهیم نگاه جدیدی به نمایشنامه‌ای داشته باشیم و این کار را آگاهانه انجام می‌دهیم.

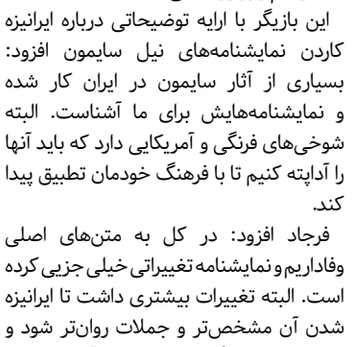

نگاهی به تازه‌ترین پروژه ارکستر ملی؛ ظرفیت‌هایی که باید آن را جدی گرفت

جای خالی خصوصی‌ها!

مجموعه کنسرت‌های «همراه با خاطره‌ها» ارکستر ملی ایران به آهنگسازی و رهبری ارکستر مجید انتظامی در حالی طی روزهای گذشته در قالب پروژه مشارکتی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر موسیقی وزارت ارشاد و بنیاد فرهنگی هنری رودکی به میزبانی تالار وحدت تهران پیش روی مخاطبان قرار گرفت، که استقبال تماشاگران و علاقه‌مندان به موسیقی نشان داد محصولات ارایه‌شده سال‌های اخیر موسیقی ایران در حوزه‌های مختلف به واسطه حضور هنرمندان ارزنده و شاخص عرصه آهنگسازی ظرفیت بالقوه‌ای برای تبدیل‌شدن جریانی مستمر در عرصه اجراهای زنده برای آشنایی‌سازی مخاطبان با «موسیقی‌های غیر سرگرم‌کننده» است.

استقبال مخاطبان از کنسرت‌های «همراه با خاطره‌ها» مجیدانتظامی نشان از ظرفیت بالای محصولات ارائه شده در حوزه موسیقی دفاع مقدس دارد که می‌تواند در قالب پروژه‌های دیگر نیز ادامه پیدا کند

به گزارش مهر مجموعه کنسرت‌هایی که مشتمل بر اجرای آثار موسیقی فیلم مجید انتظامی در حوزه سینمای دفاع مقدس از جمله «از کرخه تاراین»، «بوی پیراهن یوسف»، «آژانس شیشه‌ای»، «دوئل» «سمفونی خرمشهر» و دیگر آثار وی از جمله «شیخ بهایی»، «ترن»، «دیوانه‌ای از قفس پرید»، «زال و سیمرغ» بود. قطعاتی که هر یک به فراخور تاریخ اکران و محتوایی که برای علاقه‌مندان سینما ارایه شد با انبوهی از خاطرات و نوستالژی‌هایی همراه است که یادآور خوب و منزهی از دوران دفاع مقدس و روزگاری است که تماشاگران سینمای ایران آن روزها را به واسطه چنین آثار ارزشمندی از یاد نمی‌برند.

آثاری که نشان‌دهنده ارزشمندی، تکنیک، خوش‌قریحه‌گی، نبوغ و توانمندی آهنگسازی است که موهای خود را در موسیقی سپید کرده و جریان ملودی‌سازی در سینمای ایران مدیون تلاش‌ها و توانمندی‌های او و برخی دیگر از هم‌نسلانش است که حالا در صحنه تالار وحدت با تمام نقطه‌نظرهای کارشناسی اجتناب ناپذیرش به خوبی و شکوه هرچه تمام‌تر، تبلور پیدا کرد.

این کنسرت‌ها در شرایطی برگزار شد که سه مجموعه معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر موسیقی و بنیاد فرهنگی هنری رودکی از مدت‌ها پیش برنامه‌ریزی‌های خود را برای برپایی آن آغاز کرده بودند. مسیری که پس از برگزاری سلسله نشست‌هایی که از مهر سال گذشته توسط محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمود سالاری معاون امور هنری وزیر فرهنگ، محمد الهیاری مدیر دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیران بنیاد فرهنگی هنری رودکی با مجید انتظامی برگزار شد، شرایط را برای برگزاری کنسرت هموار کرد.

کنسرت‌هایی که قرار بود پاییز سال گذشته پیش روی مخاطبان قرار گیرد اما ماجرا به سمت و سویی هدایت شد که این پروژه در شرایط بهتری نسبت به سال گذشته اجرا شود. فضایی که نشان داد همچنان دود از کنده بلند می‌شود و این آثار مجید انتظامی و دیگر هم‌نسلانش هستند که می‌توانند در جذب مخاطب و حتی مبارزه با آن‌چه این روزها به آن «موسیقی بد» می‌گوییم نقش مهمی ایفا کنند.

آنچه مجید انتظامی به عنوان یکی از موثرترین آهنگسازان سینمای ایران در مجموعه کنسرت‌های «همراه با خاطره‌ها» به واسطه ارکستر ملی ایران به علاقه‌مندان ارایه کرد، دربرگیرنده منتخبی از قطعات ساخته شده از سوی این هنرمند در فیلم‌های با مضمون دفاع مقدس و سایر گونه‌های دیگر بود که به واسطه حضور نوازندگان جوان در کنار نوازندگان شناخته شده و ممتاز توانست اجراهای با کیفیتی را پیش روی مخاطبان قرار دهد.

کنسرت اخیر ارکستر ملی ایران نشان داد اگر در مسیر شناسایی و اجرای ظرفیت‌های بالقوه آثار «آهنگسازان شاخص موسیقی کشورمان در حوزه‌های تخصصی» به موضوع اجرای مستمر آثار خاطره‌انگیز دیگر آهنگسازان عرصه سینما و تلویزیون نیز توجه داشته باشیم، می‌توانیم در حوزه جذب مخاطب حداکثری شنوندگان موسیقی خوب نیز امیدوارتر باشیم.

شرایطی که به تنهایی می‌تواند یکی از راه‌های برون‌رفت از بحران شنیدن موسیقی بد و آثار مبتذلی باشد که اکنون از همه جهات به سمت گوش شنیداری مخاطبان کودک و نوجوان روانه شده است. مگر نه این‌که بخش اعظمی از همین آثار اجرا شده در کنسرت «همراه با خاطره‌ها» مشتمل بر موسیقی‌ها و ملودی‌هایی هستند که شنونده آن‌ها کودکان و نوجوانان دهه شصتی بودند که چنین موسیقی‌هایی در سبد شنیداری آن‌ها در قالب آلبوم موسیقی، موسیقی فیلم و آثاری از این دست ارایه شده بود؟ آثاری که زمانی در بستری مناسب‌تر، حتی زمانی که از فضای مجازی خبری نبود، به دلیل کیفیت درست تولید و ارایه به درستی در ذهن شنیداری مخاطبان ته‌نشین شدند.

به هر حال اجرای پروژه «همراه با خاطره‌ها» مجید انتظامی اگرچه قبل از برگزاری با حواشی و اما و اگرهای فراوانی روبه‌رو بود و بالاخره این مجال را پیدا کرد که بعد از عبور از بحران‌ها و اتفاقات یک ساله اخیر ارکسترهای دولتی به واسطه حمایت‌های مالی و معنوی معاونت امور هنری وزارت ارشاد و بنیاد رودکی در تالار وحدت خودنمایی کند، اما این پروژه از خود یادگار مهمی را برجای گذاشت که می‌تواند مورد توجه بیشتری قرار گیرد. چارچوبی که قطعا تهیه‌کنندگان و فعالان برگزاری کنسرت‌ها آن‌چنان که باید توجهی به اجرای موسیقی‌های جدی ندارند و این نهادهای دولتی هستند که می‌توانند در چشم‌اندازی گسترده‌تر نسبت به برگزاری این کنسرت‌ها که اتفاقا ریشه در ارزش‌ها و کلیدواژه‌های دارای اعتبار میان عموم جامعه برخوردارند، توجه بیشتری داشته باشند. شرایطی که آن هم دربرگیرنده شاخص‌هایی است که می‌توان به تعدادی از آن‌ها اشاره کرد.

اول اینکه اساسا کلیدواژه‌های مرتبط با «خاطره»، «خاطره‌بازی» و «نوستالژی» موضوعاتی هستند که تمرکز درست و اصولی روی آن‌ها برای اجرای آثار فرهنگی هنری در قالب تئاتر، موسیقی، سینما و هنرهای تجسمی اگر از مرز افراط عبور نکند، می‌تواند مخاطبان زیادی را به سمت خود بکشاند. کمااینکه در همین چند روز حضور پرتعداد تماشاگران و فروش رفتن بلیت کنسرت «همراه با خاطره‌ها» از همان لحظات آغاز فروش بلیت در سامانه و همچنین حضور مدیران ارشد حوزه‌های فرهنگی و سیاسی از جمله حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه، محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حجت الاسلام قمی رییس سازمان تبلیغات اسلامی و دیگر مدیران، نشان‌دهنده علاقه‌مندی توامان حوزه مدیریت و عموم مخاطبان به خاطرات ماندگاری‌ای بود که ملودی‌های مجید انتظامی بخش زیادی از آن را تشکیل می‌دهند.

دومین نکته‌ای که می‌توان از پس شرایط این روزهای اجرای ارکستر ملی به آن توجه کرد، ضرورت توجه بیشتر نهادها به ظرفیت بالای موسیقی جدی با هدف جذب مخاطب است که در برهوت فقدان تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار بخش خصوصی برای حمایت از چنین کنسرت‌هایی می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند.

نقشی که درصورت استمرار و تعریف پروژه‌های مشترک میان‌دستگاهی در حوزه معاونت امور هنری، دفتر موسیقی و بنیاد رودکی می‌تواند برای اجرای دیگر برنامه‌هایی از این دست، در جذب مخاطب حداکثری و حتی جذب اسپانسر نیز نقش موثری ایفا کند. چراکه اکنون همه می‌دانیم غیر از حمایت دستگاه‌های دولتی از برگزاری چنین پروژه‌هایی، انگیزه چندانی در بخش خصوصی برای حمایت از این کنسرت‌ها، وجود ندارد.

سومین موضوعی که در حاشیه برگزاری چنین کنسرت‌هایی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، سهم گوش شنیداری مخاطبان غیر پایتخت‌نشین از اجرای کنسرت‌هایی چون «همراه با خاطره‌ها» است. موضوعی که در سال‌های گذشته کم و بیش دیده می‌شد اما فعلا در برنامه‌های منتشرشده بنیاد فرهنگی هنری رودکی به عنوان متولی ارکسترهای دولتی دیده نمی‌شود. شرایطی که به نظر می‌آید مهم‌ترین مانع عدم برگزاری چنین کنسرت‌هایی در شهرهای دیگر کشور موضوعات مالی است که می‌بایست به واسطه حمایت استانداری‌ها و جذب منابع مالی مجموعه‌های صنعتی در قالب هزینه‌های فرهنگی نگاه تازه‌ای به آن داشت تا مخاطبان غیر تهران‌نشین نیز از این کنسرت‌ها بهره‌مند شوند.

نکته چهارمی که از پس برگزاری کنسرت ارکستر ملی ایران می‌تواند مورد تحلیل و تمرکز بیشتری قرار گیرد، ورود عناصر و ظرفیت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای موجود در کشور از جمله بخش آگهی و بازرگانی سازمان صدا و سیما، سازمان زیباسازی شهرداری تهران و مجموعه‌های رسمی مشابهی است که به شدت می‌توانند در جذب مخاطب نقش موثری ایفا کنند.

شرایطی که حداقل در مسیر فعالیت‌های رسانه مهم و پرمخاطبی چون سازمان صدا و سیما باید فراتر از بخش‌های خبری پیش روی مخاطبان قرار گیرد تا مخاطبان بیشتری با این گونه موسیقایی برخورد کنند. فرآیندی که به معنای واقعی کلمه، می‌تواند یکی از مهم‌ترین ابزارهای مبارزه و مقابله با جریانان موهوم و از پیش برنامه‌ریزی شده‌ای چون قطعه سبک‌سرانه و مبتذلی چون «برادران لیلا» ساسی و دیگر افراد مشابه باشند که به بهانه سرگرمی مخاطب، ترویج‌کننده ابتذال و پوچی محض در میان گوش شنیداری مخاطبان هستند. فرآیندی که به واسطه کلیدواژه‌هایی چون «خاطره‌بازی» و «نوستالژی» و البته موسیقی‌های ارزشمند هنرمندانی چون مجید انتظامی که به شدت رگ خواب مخاطبان را می‌شناسند، می‌تواند مسیر روشنی برای ترویج فرهنگ شنیدن موسیقی خوب و مبارزه با تهاجم هنری روی ذهن شنیداری شنوندگان محسوب شود.

مولفه دیگری که درباره برگزاری تازه‌ترین کنسرت ارکستر ملی ایران می‌توان به آن توجه داشت، برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور هنری، دفتر موسیقی و بنیاد فرهنگی هنری رودکی برای برگزاری اجراهای فصلی این پروژه‌ها با حضور آهنگسازان پیشگام موسیقی کشورمان است که هر یک به فراخور ایده‌ها و خلاقیتی که در حوزه موسیقی داشتند و دارند آثار ماندگار و ارزشمندی را تولید کرده‌اند. محصولاتی که هر کدام از آن‌ها می‌توانند نقش موثری برای جذب مخاطب داشته باشند.

پروژه‌هایی که در کنار اجراهای تخصصی ارکسترهای دولتی می‌توانند به نوعی گرامیداشت برای هنرمندانی باشند که سهم بسزایی در تولید آثار ارزشمند موسیقایی در حوزه‌هایی نظیر دفاع مقدس و سایر حوزه‌ها داشتند. هنرمندانی چون فرهاد فخرالدینی، فریدون شهبازیان، کامبیز روشن روان، محمدرضا علیقلی، فریبرز لاچینی، کارن همایون فر، فردین خلعتبری و هنرمندان دیگر که در حوزه موسیقی ملی تولیدات ارزشمند و پرمخاطبی را به علاقه‌مندان ارایه داده‌اند و اکنون وقت بازخوانی دوباره از این آثار ارزشمند موسیقایی فرا رسیده است.

چرا برنامه‌ها با مخاطب میلیونی دیگر نیستند؛ این بزرگترین سوال است

مسعود روشن‌پژوه از مجریان قدیمی صداوسیما که بیشتر او را با مسابقه «محله» به یاد داریم، مدتی است در تلویزیون حضور ندارد و علیرغم اینکه خودش را همچنان اکتیو می‌داند اما می‌گوید: دلم تنگ شده است اما تا وقتی برنامه خوب نباشد نیستم. این مجری تلویزیون معتقد است: برنامه‌ای که به دل مردم ننشیند و حرفی برای گفتن نداشته باشد بی‌فایده است.

مسعود روشن‌پژوه در گفت‌وگویی با ایسنا از نوستالژی بودن مسابقه «محله» یاد کرد و از دلایل نبودش در تلویزیون گفت.

این مجری باسابقه صداوسیما با یادی از مسابقه «محله» که سال‌ها پیش مخاطبان زیادی را با خود همراه می‌کرد، بیان می‌کند: طبیعتاً محله‌ها، معیارها و نوع زندگی مردم آن زمان که مسابقه «محله» را داشتیم، با الان خیلی متفاوت بود و بی‌تعارف بگوییم ما الان دیگر نمی‌توانیم مثل آن زمان تصویربرداری راحتی داشته باشیم و با توجه به رویکرد برخی محله‌ها اساساً شرایط تغییر کرده و نمی‌شود کار کرد.

تفاوت زیاد تاکشوهای تلویزیونی با شبکه نمایش خانگی

او در پاسخ به این پرسش که چرا در تلویزیون حضور ندارد؟ می‌گوید: تلویزیون که روزها برنامه آنچنانی ندارد؛ ضمن اینکه واقعا نمی‌دانم جایگاه مجریان قدیمی کجاست؟! من این روزها خیلی از تلویزیون خبر ندارم فقط چندین ماه گذشته یک برنامه گفتگومحور با عنوان «مداربسته» به من پیشنهاد شد و بنا بود آن‌را به شکل تیمی به شکل تاک‌شو کار کنیم که با توجه به برنامه‌های این چنینی که این روزها از پلتفرم‌های مختلف پخش می‌شود، عملاً ما راه به جایی نمی‌بریم. حال اینکه ما بخواهیم مهمانی را به برنامه دعوت کنیم و به عنوان مثال اگر همان مهمان قبل از حضور در برنامه ما، در یک پلتفرم حضور داشته باشد قطعاً دیالوگ‌ها، نوع کار و پوشش ها متفاوت است و همه می‌گویند چرا انقدر فرق دارد؟! پس منِ مجری خیلی باید مراعات کنم و شخصاً این شیوه را نمی‌پسندم چون عملاً فکر می‌کنم آب در هاون کوبیدن است. روشن پژوه همچنین در پاسخ به اینکه آیا خودتان دلتنگ حضور در تلویزیون نیستید؟ خاطرنشان می‌کند: من کارم را کرده‌ام؛ از بچه‌های هفت. هشت ساله تا افراد مسن ۷۰، ۸۰ ساله همه با من خاطره دارند و همین برایم کافی است اما به هر حال همیشه گفته‌ام مثل خلبان‌هایی که دائم در پرواز هستند و وقتی بازنشسته می‌شوند، زمین‌گیر می‌شوند و در زمین می‌مانند، برای ما هنرمندان هم شاید همین اتفاق بیفتد. من هم قطعا دلم تنگ می‌شود و دوست دارم حضور داشته باشم اما به شرط برنامه خوب. برنامه‌ای که کم نیاورد. مردم ما باهوش هستند و برنامه خوب می‌خواهند.

او در واکنش به جمله مدیران صداوسیما که می‌گویند درهای سازمان به روی همه هنرمندان مردمی باز است، می‌گوید: در که باز است اما ما باید مخاطب جذب کنیم؛ چرا برنامه‌هایی که مخاطب‌های میلیونی داشتند دیگر نیستند؟ این بزرگترین سوال است. ان‌شاءالله که درِ سازمان صداوسیما همیشه به روی هنرمندان باز باشد. آقای جبلی هم به هنر و هنرمندان محبت دارند اما من فکر می‌کنم در حال حاضر خیلی‌ها بتوانند کارهای جدیدی را انجام بدهند اما پاشنه فضای تولید محتوا در اتفاقات دیگری پیچیده شده است و همین کار را سخت کرده است. روشن پژوه صحبت‌هایش را اینگونه به پایان می‌رساند: در هر صورت ما همچنان امیدواریم. آن زمان با «مسابقه محله» واقعا در کنار بچه‌ها صفا می‌کردیم و افتخارمان این بود که در شهر، روستاها و استان‌های مختلف به عنوان سفیر رسانه ملی حضور داریم. یادش بخیر آن زمان وقتی بچه‌ها از مسابقه ما جایزه‌ای دریافت می‌کردند احساس می‌کردند یک مدال گرفته‌اند و همین برای من افتخار بود که در خدمت مردم بودم.

خبر

کشف یک نانوایی عجیب!

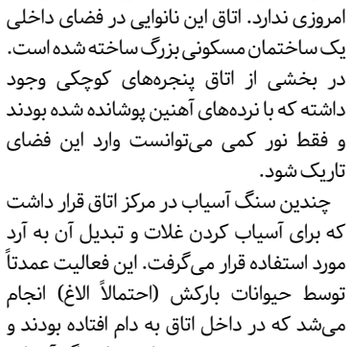

باستان‌شناسانی که در ویرانه‌های باستانی «پمپئی» واقع در ایتالیا مشغول کاوش بودند، بقایای یک نانوایی را کشف کردند که از حیوانات و برده‌ها برای اداره آن استفاده می‌شد.

به گزارش ایسنا به نقل از انشنت اوریجینز، باستان‌شناسان حین جست‌وجو در میان آوارهای حفاری‌شده در محلی که زمانی پمپئی در جنوب ایتالیا قرار داشت، اخیرا بقایای یک اتاق کوچک با ویژگی‌ها و طراحی منحصر به فرد را کشف کردند. این اتاق که در داخل دیوارهای عمارت یک اشراف‌زاده واقع در «پمپئی» کشف شده، اکنون به عنوان یک نانوایی خانگی شناخته شده که دارای سیستم آسیاب غلات و جمع‌آوری آرد است.

در مقاله‌ای که اخیرا در ژورنال رسمی «پارک باستان‌شناسی پمپئی» منتشر شده است، کاوشگران به صراحت این مکان را به عنوان یک «نانوایی _ زندان» توصیف کرده‌اند که در آن «کارگران برده و الاغها محبوس می‌شدند و برای آسیاب کردن غلات مورد نیاز برای تهیه نان مورد استفاده قرار می‌گرفتند.»

این نانوایی شباهت چندانی به نانوایی‌های امروزی ندارد. اتاق این نانوایی در فضای داخلی یک ساختمان مسکونی بزرگ ساخته شده است. در بخشی از اتاق پنجره‌های کوچکی وجود داشته که با نرده‌های آهنین پوشانده شده بودند و فقط نور کمی می‌توانست وارد این فضای تاریک شود.

چندین سنگ آسیاب در مرکز اتاق قرار داشت که برای آسیاب کردن غلات و تبدیل آن به آرد مورد استفاده قرار می‌گرفت. این فعالیت عمدتاً توسط حیوانات بارکش (احتمالاً الاغ) انجام می‌شد که در داخل اتاق به دام افتاده بودند و مجبور می‌شدند هر روز ساعت‌ها سنگ آسیاب را بکشند. آن‌ها این کار را با چشمان بسته انجام می‌دادند تا از وحشت یا تلاش برای فرار جلوگیری شود.

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های معماری این نانوایی مجموعه‌ای از چاله‌های کم‌عمق دایره‌ای‌شکل است که در کفپوش بازالتی این نانوایی حفاری شده‌اند و نحوه کنترل حیوانات را نشان می‌دهند. الاغ‌ها در این چاله‌ها نگه‌داری می‌شدند و سنگ آسیاب‌ها را می‌چرخاندند. تنها در این اتاق مستقیماً رو به یک اتاق میانی باز می‌شد و سپس به داخل انبار یا اصطبلی منتهی می‌شد که حیوانات در زمانی که کار نمی‌کردند در آنجا قرار می‌گرفتند.

حیوانات و بردگان همیشه همزمان در این اتاق شلوغ حضور داشتند. بردگان باید بر الاغ‌ها نظارت می‌کردند، آرد را جمع‌آوری می‌کردند و غلات تازه را به سیستم آسیاب اضافه می‌کردند تا کار بدون مکث ادامه داشته باشد.

این نانوایی در محوطه کاری یک خانه وسیع قرار داشت که یک خانواده ثروتمند رومی در آن زندگی می‌کردند، که در نتیجه استثمار بردگان و حیوانات زندگی راحت و آسایش نسبی داشتند. درست قبل از نابودی «پمپئی»، بردگان حدود ۳۰ درصد از کل جمعیت ۱۲۰۰۰ نفری شهر را تشکیل می دادند.

بر اساس نتایج کاوش این ساختمان بزرگ رومی به نظر می‌رسد که این خانه در حال بازسازی بوده که زیر خاکستر ناشی از فوران آتشفشان مدفون شده است.

هنگامی که کوه وزوویوس در سال ۷۹ پس از میلاد منفجر شد، پمپئی و اطراف آن، زیر خاکستر آتشفشانی مدفون شد و هزاران رومی که اصلاً نمی‌دانستند در زیر یکی از بزرگترین آتشفشان‌های اروپا زندگی می‌کنند جانشان را از دست دادند.

با فوران این آتشفشان، شهر زیر لایه‌ای ضخیم از خاکستر مدفون شد. در سال‌های اخیر فعالیت‌های باستان‌شناسی زیادی با هدف پایان دادن به روند پوسیدگی و سال‌ها بی‌توجهی در این محوطه باستان‌شناسی انجام شده است. وزیر فرهنگ ایتالیا روز یکشنبه گفت که پروژه‌های حفاظتی و تحقیقاتی ادامه خواهد داشت.

در دهه‌های گذشته، کاوش‌ها در «پمپئی» بیشتر روی عمارت‌های مجلل ساکنان طبقه اشراف‌زاده این شهر تمرکز داشت، اما در سال‌های اخیر تمرکز بر کاوش درباره زندگی مردم طبقه متوسط و حتی خدمتکاران این شهر افزایش یافته است.

کنایه ضرغامی به بستن صفحه پیرمرد رشتی!

عزت‌الله ضرغامی گفت: به ما انتقاد می‌شود چرا درباره کوروش حرف می‌زنیم. همان‌طور که ملاک‌های چندگانه از شادی دارند. اگر کسی یا پیرمردی در یک بازار شادی کرد و فولکلور خواند، اگر در مقطع ایام‌الله و ۲۲ بهمن باشد، می‌گوییم آفرین! در راستای انقلاب اسلامی شادی می‌کند و تشویق می‌کنیم، اما اگر در آن مقطع زمانی نبود، همان شادی از نظر ما متهم است.

به گزارش ایسنا، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در همایش هفته پژوهش که صبح یکشنبه ۱۹ آذرماه در موزه ملی برگزار شد، از عملکرد یک‌ساله پژوهشگاه قدردانی کرد و گفت: پژوهش از جنس آگاهی و دیداری است، پرتوافکنی است. انسان‌ها را از نگرانی‌های بی‌مبنا، ترس‌ها و دغدغه‌ها نجات می‌دهد و متقابلاً دغدغه‌های مبارک را به آدم‌ها نشان می‌دهد. اشکال جوامع به‌ویژه در ایران این است که چیزهایی که اصلا جای نگرانی ندارد و مهم نیست به عنوان نگرانی اصلی تحمیل می‌شود و وانمود می‌شود که اینها نگرانی‌های اصلی ماست و اگر حل نشود بیچاره می‌شویم و برعکس نگرانی‌های مهم به حاشیه می‌رود.

ضرغامی ادامه داد: ویژگی پژوهشگر شجاعت است. آدم ترسو پژوهشگر نیست. پژوهش اصولاً خط قرمز ندارد. در هر چیزی می‌تواند ورود کند و با صدای بلند می‌تواند حرف بزند.

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گفت: خیلی وقت‌ها ما دغدغه‌های جدی داریم، چون برای ما جاهایی را تاریک کرده‌اند و ما نمی‌فهمیم و خوشحالیم، اما اگر پژوهشگر پرتوافکنی و روشنگری کند، متوجه می‌شویم. غفلت‌هایی وجود دارد، ما می‌خواهم شما ورود کنید، مثل کوروش، که یکی از اقدامات پژوهشگاه بود و تا به حال به این صراحت ندیده بودم، در نشست کوروش با افراط و تفریط عالمانه مقابله کردید. پژوهش بلای جان افراط و تفریط است. درافتادن با افراط و تفریط کار ساده‌ای نیست. افراط و تفریط قدرتمند است، لشکر و تریبون دارد، منافع و قدرت دارد و به راحتی نمی‌توان با آن درافتاد، اما پژوهشگاه می‌تواند در حوزه‌های مستقیم خود وارد شود مثل کوروش.

او اضافه کرد: گاهی انتقادهایی درباره کوروش به ما می‌کنند که چرا اصلا حرف کوروش را می‌زنید، وقتی به قرآن و ذوالقرنین استناد دادم، ابتدا مقاومت کردند، اما پرسیدم شما بگویید ذوالقرنین کیست، کافی است فیلم هالیوودی اسکندر را ببینید، آیا این ذوالقرنین ماست؟ از این دست تفکرات داریم و تا آن دسته تفکراتی که کوروش را خدا می‌دانند، مثلا بعضی‌ها فاصله چهارم تا هفتم آبان را که تولد (محمدرضا) شاه و کوروش می‌دانند جشن می‌گیرند، حال کاری نداریم هفتم آبان چه مناسبتی بوده، اما وقتی دقیقا در هفت آبان نشست علمی کوروش می‌گذارید خیلی قابل توجه است.

ضرغامی در ادامه اشاره‌ای به واکنش‌هایی که به شادی می‌شود، داشت و اظهار کرد: داریوش می‌گوید «به نام خدا که شادی را آفرید»، درحالی‌که کارکرد دین هم آرامش و شادی است، اما چیزهای که گاهی معرفی می‌کنند دین نیست. یکی از کارهای دین انبساط روحی، شادی و نشاط است. امروز شادی را مبتنی بر ویژگی‌های اسلامی می‌خواهیم تعریف کنیم. اگر کسی یا پیرمردی در یک بازار شادی کرد و فولکلور خواند و دوتا شعر محلی خواند اگر در مقطع ایام‌الله و ۲۲ بهمن باشد می‌گوییم آفرین! در راستای انقلاب اسلامی شادی می‌کند و تشویق می‌کنیم، اما اگر در آن مقطع زمانی نبود، همان شادی از نظر ما متهم است. ببینید ملاک‌های ما چندگانه است.

(در روزهای اخیر فیلم‌های آوازخوانی و رقص محلی یک پیرمرد در بازار رشت معروف به صادق بوقی پربازدید و پس از بستن صفحه او در اینستاگرام حاشیه‌ساز شده است.)

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گفت: ما در این حوزه کار زیاد داریم. نظام مسائل ما متنوع است. پژوهشگاه در حوزه ناملموس، صنایع دستی و گردشگری خیلی کار دارد. میراث فرهنگی ما در بستر فرهنگی چندهزارساله غوطه‌ور است. تقاضا دارم راه‌های طی‌نشده و واردنشده را ورود کنید.

ضرغامی افزود: پژوهشگاه دپارتمان‌های مختلف دارد، مثلا دپارتمان زبان، خط و کتیبه. زبان که فقط خط باستانی نیست. ببینید این زبان چه گفته است، خواندن زبان به تنهایی کافی نیست.